

بیشتر اعرابی که به زیر پرچم اسلام گرد آمدند، به درآمدهای فراوانی که به ایشان عرضه میشد دلبسته بودند و برای گردآوری آنها میکوشیدند، و در میان ایشان کسانی که بتوان آنها را مسلمانان پرهیزکا خواند، جز گروهی که قراء خوانده میشدند و بر گناه خویش میگریستند کسی نبود. بی گمان آروزی غنیمت انگیزه پرتوانی در گسترش اسلام بوده است. پیامبر نیز بدان آگاه بود که سربازان خود را با وعده درآمدهای فراوان از قبیل آنچه در سوره فتح به جنگجویان نوید داده شده است به خروش میاورد. گاهی که ما داستان غزوات پیامبر را میخوانیم از حصه های کلان اموال غارتی و بردگان اسیری که از این جنگها بدست آمده آن در شگفت میمانیم، هر چند که این قانون طبیعی همه جنگهای مقدس است.

پیش از آنکه پیغمبر دیدگانش را بر هم نهد، به ویژه به فاصله پس از مرگش، زمینه اساسی بکلی دیگرگون شد. اندیشه فتح و غارت جای اندیشه پرهیزکاری را گرفت. این پیروزیها مسلما به سوی ایدال پیامبر پیش نمیرفت، زیرا گنجهای تیسفون و دمشق و اسکندریه طبیعتا جایی برای کشتیهای پارسایی و تنگزیستی نمیگذاشت، آنهم در شرایطی که به نوشته **ابن سعد** تازیان در هنگام فتح ابله در نزدیکی بصره آن اندازه غنایم بدست آوردند که به سگهای خود نیز در ظرفهای زرین و سیمین غذا میخورانیدند. خواننده گزارش این تاراج ها، از آگاهی بر اندازه ثروتی که این جنگجویان وارسته میان خود تقسیم کردند و آنچه در دهه سوم تاریخ اسلام نصیب پرهیزکاران درجه اول این آیین گردید سرگیجه میگیرد. اینان املاک وسیع و روستاهای بزرگ را به ملکیت خویش درآوردند، چه در سرزمین خود و چه در کشورهای گشوده شده از برای خویش خانه های مجلل ساختند و همه گونه وسیله خوشگذرانی را بدور خود گرد آوردند. آنچه از چپاولهای زمان جنگ و مواجبات زمان صلح به جنگجویان و مومنین رسید بدیشان اجازه گردآوری چنین دارایی های بزرگ را میداد، چنانکه به هر سوار از سربازان عبدالله بن ابی السرح در جنگهای افریقای شمالی به روزگار خلافت عثمان سه هزار مثقال زر ناب رسید.

برترین انگیزه ای که تازیان را به گشودن کشورها برانگیخت، چنانکه **نونه کانتانی** در «**سالنامه های اسلام**» خود نشان داده است، آزمندی مادی بود که **ابن سعد** نمونه های متعددی از آنها در «**طبقات**» خویش ارائه کرده است. این درست با وضع اقتصادی عربستان نیز ارتباط داشت که مردمش رابه مهاجرت از سرزمین خشکی زده خود و راه یافتن به سرزمینهای حاصلخیز همسایه فرامیخواند و تازیان از آن جهت به دین نوین روی خوش نشان دادند که بتوانند آنها وسیله پیروزیهای قرار دهند که نیاز اقتصادی آنان آنها را ایجاب میکرد... بدین ترتیب آن تحول ناگهانی که امور اسلام به سبب آن رنگ نوینی بخود گرفت، موجب شد که دین تازه از همان آغاز اندیشه پارسایی و قناعت را که در بدو کار راه و روش خود شناخته بود به دور افکند و در عوض رو به اعتبارت دنیایی و آرزوهای مادی بیاورد که خیلی بهتر میتوانستند شور همکاری را در پخش آیین محمدی برانگیزانند، تا آنجا که از همان دوره بعد از محمد گفته شد که در زمان پیامبر ما تنها به فکر آخرت بودیم و چندان به دنیا نمی اندیشیدیم، اما امروز دنیا نیز به اندازه آخرت ما را به خود کشیده است.

آن گنج ها که از کشورگشایی ها و غارت ها انباشته میشد دیگر برای آن فراهم نمیشد که در راه خدا صرف شود، بلکه کشورگشایان در درجه اول دارایی های سرشاری را که به سویشان سرازیر شده بود برای خوشگذرانی خود و نه برای آخرت میخواستند. از **سهل شوشتی** صوفی نام آور نقل کرده اند که «**نادرست است که آدمی زهد را در دوری از زنان بجوید، زیرا پیشوای نیایشگران پیامبر بود که خودش زنان را بسیار دوست میداشت**» و از پارسای بزرگ **عبدالقادر گیلانی** مثال آورده میشد که او را ۹۴ فرزند بود. **عبدالوهاب شعرانی** ثواب مجامعت را با نماز خواندن برابر میدانست و طبقات سبکی دعای آن پارسائی را در خانه کعبه نقل میکرد که از خداوند میخواست به وی توانایی آن دهد که صبح تا شام قرآن بخواند و شام تا صبح با زنان مقاربت کند.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال – دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:
شاهین کاویانی



[http://derafsh-kaviyani.com/books /](http://derafsh-kaviyani.com/books/)

derafsh-kaviyani.com

